

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های لرستان  
فرامرز یاریان



شاعری بزرگ و خلاق؛  
اما فراموش شده

چگونه  
۲۷ سالگی است که کتب زبان و ادب فارسی را در دوره‌های  
راهنمایی و متوسطه (اعم از شهر و روستا) تدریس می‌کنم. تا  
دو سال پیش هر وقت این بیت نغز و پرمفهوم را می‌خواندم:  
دست طمع چو پیش کمان کرده‌ای دراز  
پل بسنه‌ای که بخدای از آبروی خویش  
(ع ۱۳۵۴ ب ۱۷ ص ۱۲۲ نص مصفا)

بو صائب تبریزی درود می‌فرستادم. تا اینکه دو سال پیش  
زمانی که در دیوان نظیری نیشابوری تصنیف و تدبیر می‌کردم  
و قسمت غزل‌ها را ورق می‌زدم، چشمم به غزلی افتاد  
که بیت مذکور جزء آن است. در واقع که این بیت  
نظیری (به تصحیح‌های مختلف) در یافتم که این بیت  
مثل سائر است) از نظیری نیشابوری است. این امر بهانه‌ای شد تا  
تبریزی بر سر زبان‌ها افتاده است. این امر بهانه‌ای شد تا  
قلم در دست گیرم و با بضاعت اندک خود چند سطر را  
در مورد شاعر مورد بحث قلم‌فرسایی کنم و به آن مجله  
وزین ارسال نمایم.

کلیدواژه‌ها: شاعر، خلاق، غزل، نظیری نیشابوری

#### مقدمه

بسیاری از اشعار نظیری نیشابوری به‌عنوان مثل سائر مورد  
استفاده قرار می‌گیرند؛ بدون اینکه خواننده متوجه شود که  
شعر از کیست. مانند:  
درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را  
(غ ۴۱ ب ۵ ص ۲۶)

محمدحسین نظیری نیشابوری از شاعران بنام و سرآمد قرن  
دهم و یازدهم هجری قمری است. تخلصش نظیری می‌باشد،  
وی از ابتدای جوانی موطن خود را ترک کرد و به کاشان  
رفت. وقتی آوازه دهش‌های عبدالرحیم، خان خانان (حاکم  
وقت آگره) را شنید، هوای سفر هندوستان به سرش افتاد و  
راهی آگره در آن سرزمین شد.



از ممدوحان نظیری در هند) است. وی در این شعر با آوردن کلمات سرمه و شهید چنان صحنه دریافت و زیارت کردن نامه را به تصویر کشیده است که انسان مجذوب آن صحنه می‌شود.

اصحاب حسان مصحف از اصحاب ستانند  
 بگرفتم از احباب به تعظیم نشان را  
 (همان/ ب ۱۰۳)

شاعر در این بیت با آوردن واژه «نشان»، که استعاره از نامه جهانگیرشاه است، صحنه تحویل گرفتن نامه آن گونه به تصویر کشیده است که مردم قرآن را تعظیم می‌کنند: «همان‌طور نامه شاه را با دو دست گرفته و بوسیدم.»

مرحوم عبدالحسین زرین کوب درباره ویژگی‌های شعر نظیری می‌نویسد: «دیوان او که شامل قصاید و غزلیات و ترکیب‌بندهاست، مهارت او را در انواع شعر نشان می‌دهد. در توصیف حالات وجدانی طرز بیان نظیری با قدرت و ظرافت بسیار مقرون است، و غالباً این گونه حالات را از طریق استعاره یا تمثیل به محسوسات نزدیک می‌سازد. به علاوه، در استعمال الفاظ و تعبیرات مأخوذ از زبان محاوره به‌طور ماهرانه‌ای قدرت و استعداد نشان می‌دهد.»

(زرین کوب، ۱۳۸۵: ۴۰۸)

چون وجه شبه بینش هنری شاعر را مشخص می‌کند، نظیری با به کار گرفتن انواع وجه‌شبه‌های مختلف از قبیل تخیلی، حسی، مفرد و مرکب نشان داده است که شاعری است مبتکر و خلاق.

این شاعر گرانمایه از نظر و خاطر عامه گمنام و فراموش شده است اما شاعری است که خواص او را می‌شناسند و لقب «فیروزه سبز غزل فارسی» را لایق او می‌دانند.

میرغلام علی آزاد بلگرامی (در گذشته به سال ۱۲۰۰ ه.ق) در کتاب مآثرالکرام منسوب به سرو آزاد (تألیف سال ۱۱۶۱ ه.ق) درباره نظیری می‌نویسد:

«مولانا نظیری نیشابوری سخن سر سبزش نظیر فیروزه نیشابورست. از آتش نظیری خوانند و دیوان رنگینش رشک نگارخانه فغفورست؛ از آتش بی نظیر دانند.»

امیدواریم در مقالات بعدی تحت همین عنوان (شاعری بزرگ و...) بتوانیم به‌عنوان سربازی کوچک در عرصه فرهنگ و ادب فارسی دین خود را ادا کنیم.

#### منابع

۱. زرین کوب، عبدالحسین؛ از گذشته ادبی ایران، انتشارات سخن، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵.
۲. نظیری نیشابوری، محمدحسین؛ دیوان نظیری نیشابوری، تصحیح مظاهر مصفا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۰.
۳. —، —، دیوان نظیری نیشابوری، تصحیح محمدرضا طاهری، انتشارات رهام، تهران، ۱۳۷۹.

کجا بودی که امشب سوختی آزرده جانی را  
 به قدر روز محشر طول دادی هر زمانی را  
 (غ ۴۳/ ب ۱۵ ص ۲۶)

در طبع دوستان ز حسد راستی نماند  
 انصاف اگر طلب کنی از دشمنان طلب  
 (غ ۶۷/ ب ۱۵ ص ۴۳)

از آنجا که خمیرمایه اشعار و آثار ادبی صور خیال می‌باشد، درک و فهم دقیق متون ادبی و اشعار و لذت بردن از آن‌ها در گروه تشخیص و دریافت صور خیال است.

شعر نظیری را می‌توان حد فاصل سبک عراقی و سبک هندی دانست. سبکش بینابین است؛ نه عراقی صرف و نه هندی به تمام معنا. نظیری در آوردن تشبیهات حسی، عقلی، خیالی، مرکب و ارسال‌المثل بسیار تواناست.

وی هرچند بر شاعران پس از خود تأثیر گذاشته است، خود متأثر از بزرگانی چون حافظ، سعدی و انوری بوده است. او در این زمینه می‌گوید:

تا اقتدا به حافظ شیراز کرده‌ایم  
 گردید مقتدای دو عالم کلام ما  
 (غ ۵۰/ ب ۱۸ ص ۳۳)

از مهم‌ترین صور خیالی که در اشعار نظیری بسیار و در شعر شاعران دیگر (غیر از معدود شاعرانی چون نظامی، حافظ، انوری، سعدی و خاقانی) کمتر یافت می‌شود، استعاره است. استعاره‌های لطیف نظیری، شعر وی را چنان نمکین و جذاب کرده‌اند که انسان با ورود به صحنه تصاویر شعری‌اش سعی می‌کند این دیوان گران‌بها را بر زمین نهد. در این مقاله به ذکر چند نمونه از استعاره‌های لطیف و ظریف وی می‌پردازیم. قسمت چنین فتاد که ترکان مست او

در دور ما به طاق نهادند جام را  
 (غ ۲۳/ ب ۱۳ ص ۱۶)

ترکان مست: استعاره از چشمان زیبای معشوق. عبارت «جام را به طاق نهادن» یعنی: استفاده نکردن، تعطیل کردن، نوبت به ما نرسیدن. نظیری در این بیت می‌گوید: قسمت چنین شد که ما نتوانیم چشمان زیبای معشوق را ببینیم.

کم لذتم که روی ندیدم ز آفتاب  
 در خانه پختم این ثمر نیم خام را  
 (همان/ ب ۷)

«روی آفتاب» استعاره مکنیه از نوع تشخیص است؛ استعاره از صورت زیبای معشوق.

می دیدم و می سودم از آن سرمه نظر را  
 بر خواندم و لیسیدم از آن شهید زبان را  
 (ق ۲/ ب ۱۰۵ ص ۳۳۴)

واژه‌های «سرمه» و «شهید» هر دو استعاره از نامه جهانگیرخان

